

دور رفتار متفاوت در برابر چین و کوبای کمونیست

دکتر حسین دهنشیر

سیاست خارجی آمریکا در بسیاری از موارد نشان داده است در صورتی که ضرورت ایجاد کند قابلیت انطباق فراوان با همه چیز دارد و این استعداد را دارا است که جهت گیری ها و استدلال‌هایی را که براساس آن عمل می‌کند تغییر دهد. در عین حال آمریکاییان این نکته را نیز آشکار کرده‌اند که در بسیاری از مواقع این ظرفیت را فاقد هستند که به تغییر سیاست اقدام کنند و در مسیری گام بردارند که متفاوت با گذشته نه‌چندان دور باشد. چرایی این ویژگی را باید در رابطه با ساختارها، پیش ها، ماهیت پوروکراسی، کیفیت اجماع در سطح جامعه و شرایط بین‌المللی دانست. روابط آمریکا با جمهوری خلق چین یکی از نمونه‌های برجسته قابلیت‌های ساختاری، بوروکراتیک و سیاسی برای عوض کردن جهت‌گیری‌ها و سنت‌های حاکم در قلمرو سیاست خارجی در آمریکا است. یکی از حوادثی که دوران هری ترومن در قالب آن به تعریف گرفته شده است به قدرت رسیدن مائوتسه تونگ در چین بود. محافظه‌کاران با شعار اینکه «چه کسی چین را از دست داد» کلیت سیاست خارجی دموکرات‌ها را در اواخر دهه ۱۹۴۰ به حمله گرفتند. کمونیست شدن پرجمعیت‌ترین کشور جهان مجرایی فراهم کرد که محافظه‌کاران ماهیت لیبرال سیاست خارجی آمریکا را یک‌جا به سخره بگیرند. ریچارد نیکسون به «صدای» مخالفان تبدیل شد و به عنوان سناتور، حیات سیاسی را بر مبنای مخالفت همه‌جانبه با چین قرار داد. مبارزه با چین کمونیست همراه با سد نفوذ شوروی از ارکان اصلی سیاست خارجی آمریکا از دوران ترومن به بعد قرار گرفت و محافظه‌کاران به چیزی کمتر از محو هر دو خود را راضی نشان ندادند. اما آنچه کمتر انتظار آن می‌رفت در اوایل دهه ۷۰ به وقوع پیوست و در سال ۱۹۷۲ سیاستمداری که هویت سیاسی او در چارچوب مبارزه با چین ترسیم شده بود با قرار گرفتن در کنار مائوتسه تونگ و صحبت از ضرورت نزدیکی آمریکا و چین یکی از مهمترین دگرگونی‌ها را در سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد حیات داد. ریچارد نیکسون دیپلماسی پینگ پنگ را بحرانی انتخاب کرد تا واقعیات جهانی را اعتبار بخشد. نیاز آمریکا برای متوازن ساختن شوروی به عنوان خطری که مقابله با آن اولویت دارد، آمریکا را به سوی چین سوق داد. آمریکا ایدئولوژی کمونیستی را برای چنین ناپایده‌انگاشت تا با شوروی مجهز به ایدئولوژی کمونیستی مقابله کند. آمریکا هویت ایدئولوژیک کمونیستی یک طرف را نادیده می‌گیرد در حالی که ایدئولوژی کمونیستی طرف دیگر را برجسته می‌کند. آنچه آمریکا را به سوی چین سوق داد و آنها را همچنان در تعارض با شوروی نگه داشت، ظرفیت‌های این دو بازیگر بود و ایدئولوژی آنها در اولویت قرار نگرفت. آمریکا برای اینکه بتواند با تهدید شوروی که با توجه به توانمندی‌های این کشور شکل گرفته بود و ایدئولوژی کمونیستی در بستر آن پدید آمده می‌کرد، مقابله جدی کند نیاز به تقویت موقعیت و موضع خود و کش دادن منابع و توانمندی‌های شوروی در چند جبهه داشت. پس ضرورت نزدیکی با چین شکل گرفت تا شوروی با چند بلوک تهدید روبه‌رو شود و مجبور شود برای مدیریت این تهدیدها، نیروهای خود را در جبهه‌های متعدد به کار گیرد. آمریکا با نزدیکی به چین و پایان دادن به خصوصت خود با این کشور از یک سو به استحکام جبهه مبارزه با شوروی با تخصیص تمام توانمندی‌های در آن مبادرت کرد و از سویی دیگر با وارد کردن چین به زمره شرکا، گسترده‌گی جبهه سوسیالیستی و توان آن را برای به خطر انداختن منافع آمریکا به شدت کاهش داد. جایگاه و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل چین منجر به این شد که آمریکا به این نتیجه برسد که ضرورت تامین منافع ملی حکم می‌کند که سیاست‌های مستقر در رابطه با چین عوض شوند. واقعیات قدرت و حجم توانمندی‌های چین و آنچه می‌توانست برای حفظ و تداوم منافع و احتمالاً گسترش منافع آمریکا انجام دهد، گریزی جز تغییر سیاست و نگرشی راجع به چین باقی نگذاشت. برجسته‌ترین مخالف و ضدکمونیست‌ترین جمهوریخواه در مقام ریاست جمهوری، دگرگونی در سیاست خارجی آمریکا را در رابطه با یکی از کلیدی‌ترین کشورها رقم زد که توانایی بالقوه برای رقابت در صحنه جهانی با آمریکا را دارد. در مورد کوبا، سیاست آمریکا همچنان در قالب‌های دوران آیزنهاور مطرح می‌شود و نگرش‌ها و استدلال‌های سنتی همچنان حاکم هستند. اجماع داخلی درخصوص دشمنی و مقابله با کوبا همچنان پابرجا است هر چند که آن شدت نیستند اما محققان نظریات جان‌اف. کسنیدی همچنین در دوران نومحافظه‌کاران از اعتبار برخوردار هستند. در دوران جنگ سرد محافظه‌کاران بلندترین صدا و گروه سیاسی مخالف چین در مبارزه با این کشور بودند و یکی از آنان در نهایت سنت شکن شد. امروزه به مانند گذشته، بیشترین میزان مخالفت و دشمنی در میان محافظه‌کاران و در جریان است. ایوان کوبا را سمبل تعارض با آزادی و خطر اصلی علیه منافع آمریکا در منطقه ترسیم می‌کنند. اما برخلاف موضوع چین، احتمال اینکه یکی از سیاستمداران محافظه‌کار به اشتباه رویابط بود در کشور اقدام کند بسیار کم است. اینک چارچوبی برای تغییر سیاست در مورد کوبا به گونه‌ای ملموس انجام نمی‌شود به خاطر جایگاه جهانی کوبا، میزان نفوذ کوبا در منطقه و نیز سطح تهدیدی است که کوبا قادر است برای منافع آمریکا به خطر انداختن منطقه‌های مدی و شمالی اروپا را به خطر بیندازد. کوبا امروزه فاقد ظرفیت‌های مادی و روانی برای مقابله با تهدیدهای آمریکا است و به همین روی این کشور ضرورتی برای نزدیکی با کوبا احساس نمی‌کند. دوستی با کوبا منجر به کاهش هزینه‌ها برای حضور جهانی و منطقه‌ای این کشور نمی‌شود. همان‌گونه که دشمنی با کوبا منافع آمریکا را با خطر جدی روبه‌رو نکرده است. آمریکا در رابطه با چین کمونیست و کوبای کمونیست رفتاری متفاوت را به معرض نمایش گذاشته است چون این دو کشور ظرفیتی‌های به شدت غیریکسان دارند و تاثیرگذاری آنها بر منافع آمریکا به نظر می‌رسید در واکنش به رنج‌ها و خواست‌های متفاوت است.

این روزها سایه‌ای از ناپایداری و ابهام کشور کوبا را فرا گرفته است. آیا نسیمی از آزادی در این کشور وزیدن خواهدگرفت و یا شاهد بازگشت دوباره بانکی‌ها خواهیم بود؟ بسیاری از مردم کوبا هنوز هم امید به

بازگشت فیدل کاسترو به قدرت دارند. هر روز صبح گروهی از مردان صورت رنگ کرده زیر سایه درختان سنترال پارک هاوانا دور هم جمع می‌شوند. ظاهر آنها نشان می‌دهد که بی نهایت هیجان‌زده و شاید عصبانی باشند. با صدای بلند حرف می‌زنند و ادا و اطوار می‌آیند و عقایدشان را با حرکاتی موزون نشان می‌دهند. ناگهان تارهای صوتی همگی هماهنگ می‌شوند و برای دقایقی مصدا با هم می‌خوانند. من به عنوان کسی که بیش از دوازده سال است میهمان و مقیم این کشور هستم، با فاصله‌ای مناسب از این جمع ایستاده‌ام زیرا فکر می‌کنم که آنها در اینجا در مورد سیاست، گذشته، حال و آینده انقلاب کوبا و در مورد دشواری‌های زندگی در قید و بندهای سوسیالیستی می‌گویند و چندان برانزده نیست که من به عنوان یک خارجی در این بحث‌ها مداخله کنم. اما ظاهراً اشتباه کرده‌ام چون این عده در مورد بیسبال حرف می‌زنند و نه

چپه سا ریازان و نیروهای این آقای بوش به سرعت در خاک کوبا پیاده شوند. اما در کافه‌ای که در نزدیکی آپارتمان من قرار دارد، وضعیت کمی فرق می‌کند. وقتی وارد این محل می‌شوم، شش مرد را می‌بینم که ایستاده‌اند و کاملاً جدی مثل آن طرفداران بیسبال بحث می‌کنند. ولی جالب آنکه آنها هم در مورد سئوالی که در حال حاضر ذهن اغلب ناظران سیاسی را به خود مشغول کرده است یعنی در این مورد که چه کسی جانشین کاسترو خواهد شد بحث نمی‌کنند بلکه هر کدام از آنها سعی دارد اطلاعات پزشکی خود را به رخ دیگران بکشد. یکی از آنها می‌گوید: «کاسترو در حال دسامبر هشتاد سال سن دارد و در این سن نمی‌توان تکه‌ای از بدن را با عمل جراحی جدا کرد چون در این صورت بقیه بدن از هماهنگی می‌افتد، پس به احتمال قوی او باید مرده باشد.» دیگری با اشاره به روش‌های نوین پزشکی این مسئله را کاملاً ممکن می‌داند. نفر سوم هم که می‌خواهد حرف نظر افر را تصحیح کند، می‌گوید: «نه معلوم نیست که مرده باشد چون با دست خودش حکم گذارندن روز تعطیل خود با شور و اشتیاق به کنار ساحل می‌آیند». گویی که برای این مردم نه فیدل کاستروی مریض وجود دارد و نه آن ضدانقلاب‌های مقیم میامی که بلافاصله ش و به شنیدن بیماری کاسترو چمدان‌ها را بسته بودند تا بار دیگر به گفته خودشان کو را فتح کنند. اصلاً انگار کسی به نام جورج دبلیو بوش برای این مردم وجود خارجی ندارد و گویی نمی‌دانند در صورت مرگ کاسترو

ادامه از صفحه ۸

مارچلو در واقع به دلیل توزیع دارو میان زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان با چنین مجازاتی روبه‌رو شده است. مارچلو علاوه بر عضویت در کمیسیون حقوق بشر، موسس اتحادیه پزشکان کوبایی است. امری که شاید بسیار بیشتر از کمک به زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان خشم کاسترو را برانگیخته است. فراموش نباید کرد که بهداشت و درمان یکی از اصلی‌ترین نقاط قوت دولت و مایه افتخار کاسترو است. مارچلو با تأسیس این اتحادیه تصویر اعضای سابق را درهم شکست. در جریان سرکوب‌های دولتی، چهار پزشک دیگر هم دستگیر شده و به پشت میله‌ها منتقل شدند. چند کلینیک مستقل و غیردولتی هم از سوی ماموران امنیتی پلمب شدند. تنها در یک مورد در کلینیکی غیردولتی حدود ۵۰ کیلوگرم دارو معدوم شد. علاوه بر این داروها که شامل چیزهای ساده‌ای مانند آنتی‌بیوتیک، مسکن‌ها، ویتامین‌ها و غیره می‌شوند تجهیزات پزشکی مانند دستگاه اکسیژن و یا دستگاه‌های بخش قند خون هم شکسته و معدوم شدند. دولت کوبا در مورد گروه‌های پزشکی هم روشی مشابه فعالان حقوق بشر پیش گرفته است. تأسیس گروه‌های هم‌نام بهترین راه برای بی‌اعتبار کردن گروه‌های اصلی است. در این مورد عامل مخفی به نام ارستو گروهی تحت عنوان «اتحادیه مستقل پزشکان کوبایی» راه‌اندازی کرد. از جمله گروه‌های دیگری که در سرکوب دولتی هدف حملات بسیار قرار داشت «جنبش آزادی مسیحی» بود. این جنبش تحت رهبری اوسوالدو ساردی که به نحو حیرت‌آوری کاسترو وی را آزاد گذاشته و حتی امکان سفر به اروپا برای دریافت جایزه مسخاروف را هم به او داده است، عامل اصلی پروژه وارک هستند.

طبق قانون اساسی کوبا در صورتی که طرحی به اعضای حداقل ده هزار رای وارد دهند برسد، امکان ارائه مستقیم آن به پارلمان وجود دارد. این جنبش با همکاری یک گروه اپوزیسیون تحت نام تودوس یونیویوس که در جریان سرکوب‌ها چهار عضو و در جمع شش فعال اصلی خود از دست داده بود، موفق به جمع آوری ۱۱ هزار امضا در کمتر از یک سال شده و بدین ترتیب در ماه مه ۲۰۰۲ طرحی را به پارلمان ارائه دادند که به موجب آن آزادی بیان، آزادی اتحادیه‌ها، عفو برای زندانیان سیاسی، انتخابات آزاد و غیره به رسمیت شناخته می‌شد. کاسترو در ابتدا ترجیح داد درقبال این طرح سکوت کند اما حضور جیمی کارتر رئیس جمهوری سابق آمریکا همه چیز را به هم ریخت. کارتر که در آن زمان در هاوانا بود از نطق رادیویی خود برای اشاره به این موضوع استفاده کرده و آن را در سرتاسر کشور و جهان مطرح کرد. کاسترو به رنج‌ها و نگرانی‌های مردم آمریکا به نظر می‌رسید در واکنش به خداید کارتر از مردم خواست تا صدای خود را به گوش همه

کاسترو

گزارشی از کوبا

هنکی هنجل

ترجمه: **محمدمدلی فیروزآبادی**



امیدی هم به آینده کوبا می‌توان داشت؟ یکی از همسایه‌های من که از استعدادی غریزی برای کاسبی و پول درآوردن برخوردار بوده و به تازگی هم در همین خیابان اولین کافه تری‌ای این منطقه را راه‌اندازی کرده است، می‌گوید: «نیاز مردم این کشور امکان کسب درآمدی شرافتمندانه در ازای کاری شرافتمندانه است و هر تغییری از بالا می‌تواند رسیدن به این هدف را امکان‌پذیرتر کند و من هنوز هم امیدوارم.» جالب است بدانید اگر روزی بانکی‌ها و ضدانقلاب‌های مقیم میامی دست به یکی کنند و به کوبا حمله ببرند و این سه حوزه بهداشت، آموزش و انرژی خرج می‌شود، تحت نظر فرانسیسکو سوبرونا» و «فیلیپ پرز روکو» (وزاری اقتصاد و خارجه کوبا) و همین‌طور تحت نظر کارلوس لاگه قرار دارد. اینکه آیا این تقسیم قدرت همچنان پابرجا باقی می‌ماند یا نه، کسی خبر ندارد. راتول کاسترو کسی است که به هیچ‌وجه از آن کاریزمای برادر پهلوی ایران نبوده است و نخواهد توانست عنوان فردی سختگیر و خشونت طلب یاد می‌شود. ستاره بخت کارلوس لاگه هم مدت‌ها است که افول کرده و البته بار دیگر کم و بیش نامش بر زبان‌ها است. سوبرون هم فردی تحصیلکرده و فنی است اما نمی‌تواند رهبر باشد. فیلیپ پرز روکو هم نسبت به دیگر قدرتمندان کوبا خیلی جوان‌است و با وجود به اصطلاح سر و صدای زیادش کسی او را جدی نمی‌گیرد. بدین صورت هیچ بعید نیست که در روز دوم دسامبر بار دیگر شاهد یکی از آن سخنرانی‌های طولانی فیدل کاسترو باشیم، نطقی که طی آن رهبر کوبا بازگشت دوباره خود به قدرت را اعلام می‌کند. البته کاسترو قصد شوکه کردن مردم را ندارد، پس قبل از آن سخنرانی پیامی برای مردم می‌فرستد و ذهن‌ها را آماده می‌کند.

منبع: Zeit online

زندان‌ها برگزار می‌کنند و خواهان آزادی همسران خود می‌شوند. خانواده زندانیان اکنون می‌گویند که از حمایت بی‌دریغ دوستان، آشنایان و بستگان و حتی غریبه‌ها برخوردارند.

سرکوب سیاسی معترضین، بازگشت اپوزیسیون به قدرت و انسجام سابق را به تعویق انداخته است. عامه مردم این کشور هنوز آماده ریختن به خیابان‌ها و درخواست آزادی نیستند. در ۴۷ سال گذشته کوبایی‌ها براساس غریزه هنگام ناراضایی شدید از اوضاع داخلی کشور مهاجرت را برگزیده‌اند حال چه به صورت قانونی و چه غیرقانونی. این موج‌های عظیم و پی در پی مهاجرت اکنون اقلیت پراکنده‌ای از کوبایی‌ها را در نقاط مختلف به وجود آورده که تعداد آنها چندان معدود هم نیست. مجموع مهاجرین می‌شود. این حجم از مهاجرین باعث شده است تا کوبا عملاً از آزادی‌های که در سایر کشورهای کمونیست هسته اصلی اصلاحات در شکل می‌دادند تهی شود. بسیاری از ناراضیان کوبایی به جای تلاش برای تغییر کشور خود ترجیح دادند آن را ترک کنند. آنها ترجیح می‌دهند با پایای خود رای دهند. کاسترو و واقعیت را در پافانه است. او می‌داند که این جزیره شاید کمبودهای متعددی وجود داشته باشد اما در یک زمینه قطعاً کمبودی وجود ندارد و آن هم تعداد افرادی است که مایل به مهاجرت هستند. او اکنون با کارت مهاجرت همانند قماربازی حرفه‌ای بازی می‌کند. او از این پدیده همزمان به عنوان سوپای امنیتی برای ایجاد تعادل در سطح تاراضیاتی داخلی و نیز اهرمی برای فشار بر واشینگتن که در کایوس رسیدن انبوهی از قایق‌های مملو از مهاجرین به سر می‌برد، استفاده می‌کند. متهم کردن کوبایی‌ها که در روای مهاجرت از این جزیره هستند شاید چندان هم منصفانه نباشد. آنها می‌خواهند خود را از میان خرابه‌های کمونیسم نجات دهند. اما باور کنید حتی تصور این امر هم می‌تواند برای شما خطرناک باشد. در دهه ۱۹۸۰ زندان بونیاتو محل نگهداری زندانی احمقی بود که رویای خود برای مهاجرت از کشور را نزد دوستان خود افشا کرده بود. رویای شبانه و روایت آن برای دوستان به بهای دو سال زندان تمام شده بود. این زندانی آن زمان به «وویا بین بونیاتو» معروف شده و شهرتی جهانی یافته بود. بونیاتو اکنون محل نگهداری ۶ تن از ۷۵ شهروندی است که این بار نه رویای مهاجرت که رویای تغییر کشور از درون را در سر داشتند. موفقیت یا شکست این افراد در گذر زمان مشخص خواهد شد. آنچه که از هم اکنون مسلم است این واقعیت بدیهی است که کوبا برای نجات به رویان‌های بیشتری نیاز دارد.

«نام مستعار یک تحلیگر مسائل سیاسی و کارشناس جامع بسته در کوبا

منبع: فارن افرز

پنج شنبه ۲ شهریور ۱۳۸۵

اخبار آسیا و آفریقا

جدال عبدالقدیرخان با سرطان

بی‌بی سی: دولت پاکستان اعلام کرد که عبدالقدیرخان، دانشمند پاکستانی که نقش کلیدی در دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای داشت به بیماری سرطان پروستات مبتلا شده است. وی در هنگام آزمایش‌های پزشکی در اوایل ماه اوت از ابتلای خود به این بیماری ناخبر شد. عبدالقدیرخان از سال ۲۰۰۴ و پس از اعترافاش مبنی بر انتقال اطلاعات سری اتمی لیبی و چند کشور دیگر تحت بازداشت خانگی قرار داشته است. وی که از سوی مردم کشورش یک قهرمان ملی قلمداد می‌شود از سوی ژنرال پرویز مشرف رئیس‌جمهوری پاکستان مورد عفو قرار گرفت. مشرف همچنین بازجویی بین‌المللی از این دانشمند سرشناس پاکستان را ممنوع اعلام کرده است.
بیانیه رسمی دولت پاکستان خاطرنشان می‌کند که وضعیت سلامت عبدالقدیرخان مورد توجه جامعه است و دولت این اطمینان خاطر را می‌دهد که عبدالقدیرخان از بهترین معالجات پزشکی بهره‌مند می‌شود. این بیانیه که از سوی وزارت اطلاع‌رسانی پاکستان منتشر شده می‌افزاید که به عموم جامعه درباره وضعیت سلامت عبدالقدیرخان اطلاع‌رسانی خواهد شد.

توطئه تروریستی کراچی خنثی شد

ایرنا: یک اقدام تروریستی در ایستگاه راه‌آهن کراچی توسط پلیس این شهر در مرکز ایالت سند خنثی شد. پلیس شهر کراچی در این ارتباط سه نفر را دستگیر کرده است. این تروریست‌ها تصمیم داشتند تا مواد منفجره را در لوکوموتیو اصلی نصب کرده و باعث کشته و زخمی شدن صدها مسافر شوند. در این گزارش، به ملیت و وابستگی سازمانی افراد بازداشت شده اشاره نشده است.

چین و ویتنام به دنبال توافق مرزی

ایستا: یک روزنامه دولتی چین نوشت چین و ویتنام با حل کردن اختلافات مرزی خود تا سال ۲۰۰۸ موافقت کرده‌اند. این در حالی است که مناقشات مرزی میان دو طرف همواره مورد اختلاف و عامل درگیری نظامی نیز بوده است. به گزارش خبرگزاری رویترز، هوچین تائو رئیس‌جمهور چین در دیدار با تونگ دوک مان رهبر حزب کمونیست ویتنام در پکن اظهار داشت که چین خواهان مذاکره بر سر منطقه آبی مورد مناقشه است. نیروی دریایی این دو کشور در گذشته بر سر این منطقه اختلاف داشته‌اند. براساس گزارش روزنامه جاپانا دیلی چین و ویتنام موافقت درباره مسائل مرزی را به صورت دقیق و درست بررسی می‌کنند تا مرزبندی میان دو کشور تا سال ۲۰۰۸ به طور کامل و به صورت سالم‌آمیزی انجام شود. بر این اساس چین آماده است تا برای سرعت دادن به بازرانی و تخلیه مرز زمینی و مرزبندی قلمرو دریایی خارج از «چین» بی‌سوا و همچنین مذاکرات مشترک برای توسعه این مناطق با ویتنام همکاری کند.

تلفات طالبان و غیرنظامیان در قندهار

بی‌بی‌سی: نیروهای ایساف تحت فرمان ناتو در جنوب افغانستان می‌گویند در اثر یک بمباران هوایی در ولایت قندهار، یازده نفر از شورشیان وابسته به طالبان کشته‌شده‌اند. این بمباران در ولسوالی پنجوایی صورت گرفته است. برخی مردم محل ادعا کرده‌اند که در این بمباران شماری از افراد غیرنظامی نیز کشته شده‌اند و در عین حال فردی که خود را سخنگوی طالبان معرفی می‌کند به خبرگزاری‌ها گفته است که در این حمله هیچ‌یک از افراد آنها کشته نشده‌اند. همزمان دو انفجار پی هم در جنوب شهر قندهار، در نزدیکی فروگاه این شهر روی داده که در آن به گفته مقامات محلی، سه نفر کشته و یک نفر دیگر زخمی شده است. قربانیان این انفجارها شهروندان غیرنظامی افغان بوده‌اند. این حوادث یک روز پس از حمله انتحاری به کاروان نیروهای ناتو در شمال شهر قندهار روی داده است.

چاوس به بیرون رفت

ایرنا: «هوگو چاوس» رئیس‌جمهوری ونزوئلا برای دیدار و گفت‌وگو با مقامات چین روز چهارشنبه وارد این کشور شد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس چاوس در بدو ورود به پکن گفت که چین براساس توافقنامه‌هایی که هفته قبل در پکن امضا می‌شود، سطح همکاری خود را با ونزوئلا افزایش می‌دهد. چاوس در این سفر با «هو جین تائو» و «او جیا بائو» رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر چین دیدار و گفت‌وگو می‌کند و قرار است از شهر «جیان» در شرق این کشور نیز دیدن کند. رئیس‌جمهوری ونزوئلا گفت این توافقنامه‌ها شامل پیمان‌هایی در زمینه استخراج نفت بسیار سنگین در حوزه نفتی «اورینوکوای ونزوئلا» توسط چین و همچنین همکاری پکن در توسعه میادین نفت و گاز «زومائو» در شرق ونزوئلا خواهد بود. چاوس همچنین گفت که روابط فزاینده کشورش با چین بخشی از تلاش‌های دولت متبوعش برای ایجاد جهانی «چندقطبی» برای رویارویی با سلطه‌طلبی آمریکاست.

کرزی به آمریکا می‌رود

ایستا: جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا طی گفت‌وگوی تلفنی با حامد کرزی همتای افغانش به بررسی اوضاع امنیتی افغانستان، جنگ علیه تروریسم و بازسازی این کشور پرداخت. در این مذاکره تلفنی، طرفین به بیان دیدگاه‌هاشان درباره تعدادی از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز پرداختند.
براین اساس، بوش متعهد شده است تا تمامی حمایت‌های لازم را از دولت افغانستان برای سرکوبی شورشیان و برقراری صلح به عمل آورد. وی همچنین نسبت به ادامه همکاری‌های دو کشور در آینده‌ای دور ابراز امیدواری کرد و از کارهای دیپلماتیک سفر به واشینگتن دعوت کرد که با قبول طرف افغان مواجه شد.